

# صورت تمدن غرب

احمد پهلوانیان

هر تمدن و فرهنگی دارای صورت و ماده‌ای است که در آغاز شکل‌گیری، غالباً آن ماده را از تمدن پیش از خود گرفته و با توجه به تفکرات بنیادین خود، صورتی به آن اضافه کرده و تمدن خود را می‌سازد. در نتیجه هر تمدن از بین رفته، به نوعی در دل تمدن جدید و متناسب با نگرش آن فرهنگ بازآفرینی شده و به حیات خود ادامه می‌دهد.

هم‌چنان که هر گاه میان دو تمدن و دو فرهنگ مواجهه و مبارزه‌ای رخ می‌دهد، فرهنگ و تمدن غالبه ماده فرهنگ و تمدن مطلوب را گرفته و صورت خود را به آن اضافه می‌کند. در واقع در فرهنگ مطلوبه تغییر و دگرگونی حاصل شده و هویت خود را که همان صورت فرهنگی‌اش بوده از دست می‌دهد. دقیقاً همان مواجهه‌ای که امروزه بین تمدن و فرهنگ غربی با دیگر فرهنگ‌های جهان اتفاق افتاده و فرهنگ غرب به عنوان فرهنگ غالب، صورت خود را که همان دنیایی شدن، سکولاریسم، امانیسم و لیبرالیسم است، به ملل دیگر تحمیل کرده است.

تکنولوژی غرب به ویژه رسانه‌ها به عنوان سپاه مسلح غرب در این هم‌آورد نقش ایفا کرده و به تخریب فرهنگی همه کشورهای و نقاط جهان می‌پردازد. صورت تمدن غرب به تفرعن و غروری اندازه انسان بوده که دست‌آورد خود یعنی علم را هم عرض و رقیبی برای خدا فرض کرد؛ رقبایی که در همه اعصار و دوران‌های زندگی بشر در حال مبارزه و جدال بودند و همیشه خداوند پیروز صحنه کارزار بوده مگر در تمدن امروز غرب که علم و دانش بشر، از خداوند پیشی گرفته است. این نگرش متکبرانه که نتیجه ظلمت انسان از حقیقت وجود و هستی خود بوده، او را به زمین چسبانده و از داشتن اندیشه‌های آسمانی و نگاه‌های ملکوتی محروم کرده است. انسان هر روز بیشتر از روز گذشته در ویل هولناک اوهام شیطانی و تخیلات نفسانی فرورفته و تمام همه دلخوشی او سرگرمی، تلذذ، ظلمت و تخدیر گشته است.

راه درست و منطقی در مواجهه با تمدن و مظاهر تکنولوژیک آن از جمله رسانه‌ها، گذرن این صورت - که مانند ماسکی رعب آور، برای بعضی و فریبنده، برای بعضی دیگر است - از ماده این تمدن، یعنی پیشرفت‌های علمی آن است و این هدف جز با شناخت دقیق انسان، ابعاد وجودی او و انواع نیازهایی که دارد قابل دستیابی نخواهد بود.<sup>۲</sup>

اگر ما بخواهیم مظاهر کنونی تمدن ضرب را به خدمت اهداف متعالی اسلام در آوریم، باید بتوانیم پیش از هر کار، نیازهای حقیقی انسان را از نیازهای کاندش تشخیص دهیم. این کار جز با عنایت به غایات کمالی انسانی ممکن نیست.<sup>۳</sup>

میل به سرگرمی و غفلت که امروزه بیشتر تولیدات رسانه‌ای دنیا در پاسخ‌گویی به این میل شکل می‌گیرند نه تنها نیاز حقیقی انسان که برآورده شدن آن موجب حرکت به سوی کمال انسانی بشود نیست؛ بلکه دست‌اندازی کاری، در راه رشد و تعالی انسان است. مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که این میل از امیال اشباع نشدنی و سیری ناپذیر انسان است؛ حتی مانند میل به غذا خوردن نیست که با پر شدن شکم، ساعاتی، آتش این میل در درون انسان فروکش کند بلکه مانند باطلاقی است که هر چه در آن دست و پا بزنی، پایزتر خواهی رفت.

تمدن امروز ضرب بر پایه تفکر فراموشی ذات و غایت اشیاء و پدیدها و متمرکز شدن روی فایده محسوس و ملموس مادی آن‌ها بنا نهاده شد. در نتیجه غایت خلقت و آفرینش انسان از خاطرها محو شده و لذت جویی و راحت طلبی جایگزین آن گردیده است. این صورت تمدن ضرب و مظاهر تکنولوژیک آن است، که باید از آن دروی جست و با بازگشت به اصل خویش و در راستای رسیدن به غایت هستی و کمال معنوی انسان، این تمدن را استعاله کرد.

اسب حیوانی است که می‌تواند خدمت‌های زیادی به انسان کند؛ به انسان سواری دهد و او را در راه رسیدن به برخی از اهدافش یاری رساند. البته مشروط به این که انسان اسب و خدمت‌های ذاتی آن را شناخته و با این شناخته آن را اهلی و رام کرده و از وحشت و فرمان

۲. چه این که تکنولوژی با علم تفاوتی جندی دارد؛ علم محصول شناخت هستی و نتیجه کشف نسبت‌ها و روابط موجود بین اجزاء و عناصر هستی است و تکنولوژی علم به همراه فلسفه زندگی است. در نتیجه دانش سرزوی هسته‌ای به عنوان یک علم، در کشوری و با توجه به بافت فلسفی و فکری‌ای که زیر ساخت تمدن آن است، در جهت تولید مصب اتم به خلعت گرفته می‌شود و در سرزمین دیگری برای خدمت به انسان.

۳. فروتنی، سید مرتضی، ایستة چهلوی، ج ۲، ص ۲۲۱.



ناپذیری ذاتی اش دور کرده باشد و گرنه این انسان است که باز پیچیده‌تر شده و اوسرکش و طغیانگر، انسان را به این سو و آن سو می‌کشاند. شناخت و رام کردن، مسئله مهمی در زندگی انسان است.

تمدن غرب برای انسان کمال طلب و حقیقت جو وحشی و طغیانگر است؛ خیلی بیشتر از یک اسب و می‌تواند ضررها و آسیب‌های جدی به انسان وارد کند.

این یک مسئله اساسی است که باید این تمدن و خصیلت‌های ذاتی آن را خوب شناخت و با اتکا به این شناخت و آگاهی، آن را مهار و رام کرده تا بتواند ابزاری در اختیار انسان باشد؛ نه انسان باز پیچیده آن چه اقتضای ذات و غایبات آن؛ و این قاعده در همه ابزار تکنولوژیک بشر امروز جاری است. این همان مطلبی است که نیل پستمن در رویکردی جامعه‌شناسانه به آن اشاره می‌کند:

کنترل و نظارت هوشیارانه و خردمندانه بر روی تلویزیون، کامپیوتر و دیگر ابزارها و تکنولوژی‌های مشابه وقتی امکان پذیر است که انجام این امور تحقق یابد:

تحلیل عمیق و به دور از خود فریبی، شناخت تلایرهای متلوت آگاهی‌ها، کشف و افشای خصیلت‌های نهانی یا گرایش‌های ذاتی این گونه وسایل ارتباط جمعی؛

تنزیل دادن رسانه‌های تکنولوژیک چون تلویزیون در سطح ابزاری ساده مانند چاقو و بیل؛ بدون صورت و غایت، چیزی جز ساده لوحی یا فرار از واقعیت نیست. باید باور کرد که این ابزار، شیوه اندیشیدن، تفکر و ساختمان ذهنی مخاطب خود را تغییر می‌دهد. اگر چه این تعریف و برداشت از تکنولوژی، بر خلاف دیدگاه عمومی جامعه می‌باشد؛ دیدگاه حاکم بر اذهان افراد جامعه همان دیدگاه ابزار انگارانه است که تکنولوژی را ظرفی برای حمل و نقل هر مفهوم و محتوایی می‌داند.

و جهان عمومی ما هنوز نمی‌خواهد بیندرد که تکنیک خود یک ایدئولوژی است. با وجودی که همین تکنیک طی هشتاد سال گذشته همگی شئون و مسائل اجتماعی و

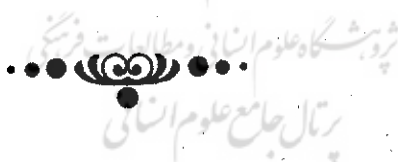
۲. پستمن، نیل، زندگی در عصر مدرن در بخش دکتر صادق طباطبائی، ص ۳۳۶

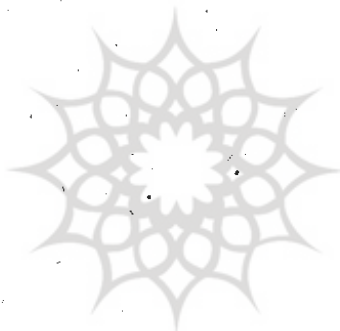


زندگی فردی و جمعی ما را دگرگون کرده هنوز روح جمعی نمی بیند که تکنیکه اینولوژی است.

برای ما جز شناخت اجزا و ابعاد مختلف این تمدن تکنولوژیک به ویژه رسانه‌ها و انتقال این شناخت به همه جامعه و فراگیر کردن آن در همه سطوح جامعه، چاره‌ای نمی‌ماند. در مدارس ابتدایی به دانش‌آموزان، قوانین راهنمایی و رانندگی، عبور از خط‌عابر پیاده، معنای چراغ سبز و قرمز و غیره آموزش داده می‌شود؛ برای این‌که این افراد در شهری که در خیابان‌های آن بر اساس این قوانین رفت و آمد و عبور و مرور شکل می‌گیرد بهتر بتوانند زندگی کرده و از خطرات و آسیب‌های احتمالی آن در امان باشند. این روش خوبی است که یک فرهنگ و اندیشه از سطوح پایین جامعه یعنی کودکان، تبلیغ شده و آموزش داده شود؛ تا در دراز مدت در کل جامعه فراگیر و نهادینه شود.

شاید روزی مسئولان و کارشناسان جامعه به این نتیجه برسند که درباره ماهیت رسانه‌ها، مضرات و فواید آن و شیوه درست استفاده کردن از آن، چنین آموزش فراگیر، همه جانبه و اساسی‌ای ضرورت دارد؛ تا کمتر سلاطین جامعه در مخاطره بیفتند. فرهنگ استفاده درست از رسانه‌ها باید به دانش‌آموزان آموزش داده شود. نهاد مدرسه از ظرفیت و توان بسیار بالایی برای آموزش و نهادینه کردن یک تفکر در کل جامعه برخوردار است که باید از آن بهره برد. در پناه حق





پښتونستان د علومو او ادبياتو د پوهنتون

پرتال جامع علوم انساني

اندرون